

مقدمه و صعود عیسی مسیح

¹ صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیوفلس، درباره همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد. ² تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد. ³ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشان را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می گفت.

⁴ و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده اید. ⁵ زیرا که یحیی به آب تعمید می داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت. ⁶ پس آنانی که جمع بودند، از او سؤال نموده، گفتند: خداوند، آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟ ⁷ بدیشان گفت: از شما نیست که زمانها و اوقات را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. ⁸ لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.

⁹ و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. ¹⁰ و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، ¹¹ گفتند: ای مردان جلیلی، چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید. ¹² آنگاه به اورشلیم مراجعت کردند، از کوه مسمی به زیتون که نزدیک به اورشلیم به مسافت سفر یک روز است. ¹³ و چون داخل شدند، به بالاخانهای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و مثنی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند. ¹⁴ و جمیع اینها با زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او به یکدل در عبادت و دعا مواظب می بودند.

انتخاب جدید رسول دوازدهم

¹⁵ و در آن ایام، پطرس در میان برادران که عدد اسامی ایشان جمله قریب به صد و بیست بود

المقدمه

¹ الکلام الاول انشأته، يا تيوفلس، عن جميع ما ابتدأ يسوع بفعله وتعليمه به² إلى اليوم الذي ارتفع فيه بعد ما أوصى بالروح القدس الرسل الذين اختارهم³ الذين أراهم أيضاً نفسه حياً يتراهين كثيراً بعد ما تألم وهو يظهر لهم أربعين يوماً وتكلم عن الأمور المختصة بملكوت الله.

يسوع المسيح يرتفع إلى السماء

⁴ وفيما هو مجتمع معهم أوصاهم أن لا يترجوا من اورشليم بل ينتظروا موعد الأب، الذي سمعتموه مني. لأن يوحنا عمّد بالماء وأما أنتم فستمتدّون بالروح القدس ليس بعد هذه الأيام بكثير. أما هم مجتمعون فسألوه قائلين: يا رب، هل في هذا الوقت ترُدُّ الملك إلى إسرائيل؟ فقال لهم: ليس لكم أن تعرفوا الأزمنة والأوقات التي جعلها الأب في سلطانيه، لكنكم ستسألون قوّة متى حلَّ الروح القدس عليكم وتكونون لي شهوداً في اورشليم وفي كل اليهودية والسامرة وإلى أقصى الأرض.

⁹ ولما قال هذا ارتفع وهم ينظرون، وأخذته سحابة عن أعينهم. وفيما كانوا يتخضّون إلى السماء وهو مُنطلق إذا رجلان قد وقفا بهم يلباسي أبيضين¹¹ وقالا: أيها الرجال الجليليون، ما يالكُم واقفين تنظرون إلى السماء؟ إن يسوع هذا الذي ارتفع عنكم إلى السماء سيأتي هكذا كما رأيتموه مُنطلقاً إلى السماء. ¹² حينئذ رجّعوا إلى اورشليم من الجبل الذي يدعى جبل الزيتون الذي هو بالقرب من اورشليم على سقر سبت. ولما دخلوا صعدوا إلى العلية التي كانوا يقيمون فيها، بطرس ويعقوب ويوحنا وأندراؤس وفيلبس وتوما وبرتولماؤس ومثنى ويعقوب بن حلفى وسمعان الغيور ويهوذا بن يعقوب. ¹⁴ هؤلاء كلهم كانوا يواظبون بنفس واحد على الصلاة والطلب مع النساء ومريم، أم يسوع، ومع إخوته.

اختيار الرسول الثاني عشر

¹⁵ وفي تلك الأيام قام بطرس في وسط التلاميذ، وكان عدّة أسماء معاً، نحو مئة وعشرين، فقال: ¹⁶ أيها الرجال الإخوة، كان ينبغي أن يتم هذا المكوث الذي سبق للروح القدس فقالة بقم داود عن يهوذا الذي صار ذليلاً للذين قبضوا على يسوع، ¹⁷ إذ كان معذوداً بيتاً وصار له

تَصِيْبُ فِي هَذِهِ الْخِدْمَةِ. ¹⁸ فَإِنَّ هَذَا أَقْتَنَى حَقْلًا مِنْ أُجْرَةِ
الظُّلْمِ وَإِذْ سَقَطَ عَلَى وَجْهِهِ انْشَقَّ مِنَ الْوَسْطِ
فَأَنسَكَبَتْ أَحْشَاؤُهُ كُلُّهَا. ¹⁹ وَصَارَ ذَلِكَ مَعْلُومًا عِنْدَ جَمِيعِ
سُكَّانِ أُورُشَلِيمَ حَتَّى دُعِيَ ذَلِكَ الْحَقْلُ فِي لُغَتِهِمْ: حَقْلَ
دَمَا، أَيْ حَقْلَ دَمٍ. ²⁰ لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ فِي سِفْرِ الْمَزَامِيرِ:
"لِتَصِرْ دَارُهُ خَرَابًا وَلَا يَكُنْ فِيهَا سَاكِنٌ وَلْيَأْخُذْ وَطِيقَتُهُ
آخِرًا". ²¹ فَتَبَيَّغَى أَنَّ الرِّجَالَ الَّذِينَ اجْتَمَعُوا مَعَنَا كُلَّ
الزَّمَانِ الَّذِي فِيهِ دَخَلَ إِلَيْنَا الرَّبُّ يَسُوعُ وَخَرَجَ، مُنْذُ
مَعْمُودِيَّةِ بُوحَنَّا إِلَى الْيَوْمِ الَّذِي ارْتَفَعَ فِيهِ عَنَّا، يَصِيرُ
وَاحِدٌ مِنْهُمْ شَاهِدًا مَعَنَا بِحَيَاتِهِ. ²³ فَأَقَامُوا اثْنَيْنِ، يُوسُفَ
الَّذِي يُدْعَى بَارْسَبَا، الْمَلَقَبُ يُوسُفُسَ، وَمَتِّيَّاسَ. ²⁴ وَصَلَّوْا
قَائِلِينَ: أَيُّهَا الرَّبُّ الْعَارِفُ قُلُوبَ الْجَمِيعِ، عَيِّنْ أَنتَ مِنْ
هَذَيْنِ الْاِثْنَيْنِ أَبًا اخْتَرْتَهُ، لِيَأْخُذَ قُرْعَةً هَذِهِ الْخِدْمَةِ
وَالرَّسَالَةِ الَّتِي تَعْدَاهَا يَهُودًا لِيَذْهَبَ إِلَى مَكَانِهِ. ثُمَّ
أَلْقَوْا قُرْعَتَهُمْ، فَوَقَعَتِ الْقُرْعَةُ عَلَى مَتِّيَّاسَ، فَحَسِبَ
مَعَ الْأَحَدَ عَشَرَ رَسُولًا.

برخاسته، گفت: ¹⁶ ای برادران، می‌بایست آن نوشته
تمام شود که روح‌القدس از زبان داود پیش گفت
دربارهٔ یهودا که راهنما شد برای آنانی که عیسی را
گرفتند. ¹⁷ که او با ما محسوب شده، نصیبی در این
خدمت یافت. ¹⁸ پس او از اجرت‌ظلم خود، زمینی خریده،
به روی درافتاده، از میان پاره شد و تمامی امعایش
ریخته گشت. ¹⁹ و بر تمام سکنه اورشلیم معلوم گردید
چنانکه آن زمین در لغت ایشان به حقل دما، یعنی
زمین خون نامیده شد. ²⁰ زیرا در کتاب زبور مکتوب
است که: خانهٔ او خراب بشود و هیچ‌کس در آن
مسکن نگیرد و نظارتش را دیگری ضبط نماید. ²¹ الحال
می‌باید از آن مردمانی که همراهان ما بودند، در تمام
آن مدتی که عیسی خداوند با ما آمد و رفت
می‌کرد، ²² از زمان تعمید یحیی، تا روزی که از نزد ما
بالا برده شد، یکی از ایشان با ما شاهد برخاستن او
بشود. ²³ آنگاه دو نفر، یعنی یوسف مسمی به بَرَسَبَا که
به یُوسُفُس ملقب بود و مَتِّيَّاس را برپا داشتند، ²⁴ و دعا
کرده، گفتند: تو، ای خداوند، که عارف قلوب همه
هستی، بنما کدام یک از این دو را برگزیده‌ای ²⁵ تا
قسمت این خدمت و رسالت را بیابد که یهودا از آن
باز افتاده، به مکان خود پیوست. ²⁶ پس قرعه به نام
ایشان افکندند و قرعه به نام مَتِّيَّاس برآمد و او با
یازده رسول محسوب گشت.